

برای سنگینه زندانیان گامی خبر دروغین
اعدام به آناهید خانوار در آن داده
شما شود

کسی از هزاران

به روی آینه آ، پرده سیاه بکشد
شمع را بکشد

که در سینه همان شمع خانه نه خادگی

توای قناری زنی

نخوان، نخوان آواز

بگریه می بینی

زنی قنارده به لک چو سافه می گل زرد؟

شما دو کودک زیبا

به هوا درختها بیدار گریه میکنند

لغاه دست آلود، بی...

به دلت گریه می بینم می بیدار کنند

که "مفسد" آمده بهرون از ظلمت زندان

با دور زندانیان

برای لحظه می بیدارود - و ای می بیدارود...

سکوت سرد غم اندود

"مفسد" آشفته است

قنارده زنانه بر سگوش

زخمی، گوی می چرخد رینگ به دور ریش

که روی سالیقه می خدعه بار اعداش

با کام برگ فروخته مار ناگاش!

خانه اش خالی است

کتابخانه می او گلشن قرآن زده ای است

که برگ آتش پراکنده ریخته به ریش

و باره باره شده زبانی پیگردان

برای سراسیمه می نمکین

به این دو کودک تنها

که میگردید سرد

خط

کدام زنی از زنی

۱۲۹۴